

بازخوانی تز و آنتی‌ت‌های حکمرانی در اداره عمومی با نگاهی هرمنوتیک

عبداله وثوقی نیری

نامه ۷۰ نهج البلاغه:

حکومت عدل ما را دیدند و شناختند و آوازه آن را شنیدند و به گوش سپردند. دریافته بودند که در اینجا مردم در برابر حق و عدالت برابرند. پس گریختند تا مگر خود به سودی برسند. خداوند ایشان را از رحمت خود دور گرداند. اینان از ستم نگریختند و به عدل نخواهند رسید و در این کار از خدا می‌خواهیم، دشواری‌ها را برایمان آسان سازد و ناهمواری‌ها را هموار گرداند.

چکیده

مسائل جهان معاصر ماهیت و نقش دولت و فرایند حکمرانی را تغییر داده و این تحول موجب تغییر در نقش سنتی و تاریخی دولت و حکمرانی گردیده و در یک تحول عمیق‌تر منجر به تغییر فلسفه، توابع، نهادها و پایه‌های دولت، تقریباً در همه جهان شده است. در ادبیات اداره عمومی حکمرانی معانی سیالی یافته که نشان‌دهنده دیدگاه‌های مختلف مفهومی و ایدئولوژیک در حکمرانی است. در این مقاله با بازخوانی پارادایم حکمرانی از طریق ساختن یک نظام تأویل بر مبنای نظریات مختلف در این حوزه، مفاهیم بنیانی، رهیافت و ساختار کلی مفاهیم مورد استفاده، حکمرانی در بافت متنی دو دهه اخیر مورد مطالعه هرمنوتیکی قرار گرفت و چارچوب مفهومی حکمرانی برای اداره عمومی را فراهم نمود. که بر این اساس این مفهوم با یک دید فرازمانی می‌تواند فرصتی را به وجود آورد تا با خلاقیت و نوآوری به یک مورد از دانش جدید در کمک به موضوع دست یافت که به راه حل‌های بهتر برای سیاست‌های عمومی منجر شده و ایده‌هایی را برای حل مشکلات سازمانی و تجدید حیات و بهبود سیستم حکمرانی ارائه دهد.

کلیدواژه: اداره امور عمومی، تز و آنتی‌ت‌، حکمرانی، حکمرانی آینده، هرمنوتیک

مقدمه

یکی از مهم ترین مسائل جهان معاصر ماهیت و نقش دولت و فرایند حکمرانی و دولت است که به سرعت در حال تغییر است (Farazmand, 2004, p.23). نقش سنتی و تاریخی دولت تغییر کرده و باعث تسریع در تغییر عمده ماهیت دولت در لوای جهانی شدن است. این ماهیت تغییر دولت نیز ماهیت تغییر حکمرانی، مدیریت، فرآیندها، و در یک تحول عمیق منجر به تغییر فلسفه، توابع، نهاد و پایه های دولت تقریباً در همه جهان شده است. جهانی شدن سرمایه، فرایندی فراتر از دولت، ملت، اقتصاد، بازارها، نهادها، فرهنگ ها نیروی اصلی در پشت این تحول و تغییرات متعدد ملموس می باشد (Farazmand, 2004, p. 11; Farazmandt 2012, pp. 226). همه دولت ها (یا به تعبیر درست تر، بسیاری از آنها) به دنبال طراحی و اجرای برنامه ها و سیاست هایی هستند که از طریق آنها بتوانند کشور و مردم خود را به پیشرفت و توسعه هرچه بیشتر برسانند و سعادت و رفاه را برای آنان به ارمغان آورند. سراسر تاریخ تمدن بشری مملو از کوشش هایی است که در این زمینه صورت گرفته، و البته بسیاری از آنها نیز در رسیدن به نتیجه ناکام مانده است. قرن بیستم و اخیراً بیست و یکم نیز در این زمینه وضعیت خاص خود را دارد. ناکامی دولت ها و حکومت ها می تواند درد و رنج زیادی را به طور مستقیم بر مردم آن کشور وارد ساخته و باعث بی ثباتی منطقه گشته (Khan, 2013, p. 75) و با اثر پروانه ای موجبات خیزش بحران های بین المللی گردد. پس شایسته است دولت ها نسبت به تغییرات سریع و عمده تحت لوای جهانی شدن در فرایند حکمرانی و تاثیر نقش محیط بین الملل و بازیگران آن در این عرضه هوشیار بوده و تمام مساعی خود را برای انتخاب رویکرد مناسب جهت سعادت مندی و تعالی مردمان به کار گیرند.

هیچ الگوی واحدی از حکومت ایده آل برای همه زمانها، قابل اجرا برای همه ملت ها و جوامع در سراسر جهان وجود ندارد (Farazmand, 2004, p.23). مدل های مختلف و یا مفاهیم حکومت در سراسر جهان در طول سی سال گذشته پدیدار شده است که مبتنی بر مدل بازار می باشند که بر بسیاری از کشورهای در حال

توسعه تحمیل شده است. این روند جهانی در بسیاری از کشورها، مناطق و از جمله بسیاری از کشورهای توسعه یافته نتیجه معکوس دارد و این در حالی است که هنوز هم در حال اجرا در دیگر کشورها است (Farazmand, 2004, p. 13). همانگونه که بارها و بارها در تاریخ نشان داده شده است داشتن رویکرد کورکورانه به تطبیق مدل های حکمرانی و اداره می تواند به فاجعه منجر شود (Farazmand, 2004, p. 13). در همین امتداد ارائه تعریفی از حکمرانی، چالشی، ظریف و پیچیده است. به نظر می رسد اگر بخواهیم با مفهوم حکمرانی بخوبی آشنا شویم باید بفهمیم که حکمرانی، چیست. حکمرانی مشابه دولت نیست. حکمرانی موضوعی است درباره نحوه تعامل دولتها و سایر سازمانهای اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط اینها با شهروندان و نحو؟ اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده. حکمرانی فرایندی است که از آن طریق جوامع یا سازمانها تصمیمات مهم خود را اتخاذ و مشخص می کنند چه کسانی در این فرایند درگیر شوند و چگونه وظیفه خود را به انجام برسانند. سیستم حکمرانی، چارچوبی است که فرایند متکی بر آن است. بدین معنی که مجموعه ای از توافقات، رویه ها، قرارداد ها و سیاستها مشخص می کنند که قدرت در دست چه کسی باشد، تصمیمات چگونه اتخاذ کردند و وظایف چگونه انجام و ادا می شود.

مفهوم حکمرانی را می توان در سطوح مختلفی چون سطح جهانی، ملی، سازمانی و جوامع محلی مورد استفاده قرار داد. چهار بخش اصلی جامعه که می توانند هر یک به نوبه خود در انجام امور انجام وظیفه کنند، عبارتند از: کسب و کار، مؤسسات جامعه مدنی (شامل سازمانهای داوطلب و بخش غیر انتفاعی)، دولت و رسانه. (صانعی، ۱۳۸۵) دولتها در آغاز قرن ۲۱، با چالشهای جدیدی مواجه شده اند. از جمله:

۱) در عصر جهانی شدن، دولتها باید واکنش فعالانه ای به فرصتهای مثبت اقتصادی و واکنشهای تدافعی نسبت به فشارهای منفی اقتصادی از خود نشان دهند.

۲) بروز تغییرات جمعیتی در اکثر کشورها، بر دولتها به عنوان کارفرما و فراهم کنند؟ خدمات تأثیر گذاشته است. جمعیت اکثر کشورها، مسن تر شده است و این جمعیت مسن، خواهان خدمات اجتماعی بیشتری است. همچنین، سازمانهای دولتی باید برای استخدام افراد ماهر و با انگیزه با سازمانهای غیر انتفاعی و کارفرمایان خصوصی رقابت کند. خصوصاً "اینکه سطح دستمزد ها در بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی پایین تر است. پس، سازمانهای دولتی باید مشوقهای غیر پولی دیگری برای استخدام و حفظ کارکنان با عملکرد بالا شناسایی کنند و این چالشی بزرگ برای آنها خواهد بود.

۳) بخش دولتی با انتظارات جدید شهروندان تحصیل کرده روبرو خواهد بود. بدین معنی که شهروندان، انتظار دریافت خدمات با کیفیت بالاتری را خواهند داشت. بنابراین دولتها باید قابلیت هایی برای شهروندان و ذی

نفعان فراهم آورند تا آنها بتوانند در موضوعات عمومی مشارکت فعالتری داشته باشند. (۴) و نهایتاً، انتظارات پرسنل سازمانها تغییر کرده است و پاسخگویی به این انتظارات، شرایط جدیدی را می طلبد. پاسخگویی به این چالشها نیازمند برخورداری از حکمرانی صحیح در سطح کلان جامعه است.

صرف نظر از مطالعات و بررسی های ضروری، حکمرانی نهایتاً یک عمل است؛ عملی سازمان یافته. سه جنبه به طور مکمل، حکمرانی را از هر نوع نهاد یا اقدام اجتماعی دیگر متمایز می سازد: گسترگی قلمرو، اثرگذاری و ملاحظات ضروری، حساب پس دهی عمومی و در نهایت ویژگی سیاسی بودن. (پورعزت، ۱۳۸۹، ۷۱) در همین امتداد نیاز به بازخوانی پارادایم حکمرانی از طریق ساختن یک نظام تأویل بر مبنای نظریات مختلف در این حوزه، مفاهیم بنیانی، رهیافت و ساختار کلی مفاهیم مورد استفاده حکمرانی در بافت متنی مبنای مطالعه قرار گرفت.

روش شناسی مطالعه

روش شناسی کلاسیک مطالعه برای بازخوانی یک متن، هرمنوتیک است. این مقاله به دنبال قصد مولف، روح متن، تأویل، فهم و چیزهایی از این قبیل است. این پژوهش از نوع پژوهش کیفی است و واضح است که برخلاف پژوهش های کمی که دارای یک مسیر خطی، متوالی و رویه مندند، به میزان زیادی منحصر به خود شکل می گیرد. در عصر جدید علم هرمنوتیک حداقل به شش نحو نسبتاً متمایز تعریف می گردد؛ نظریه تفسیر کتاب مقدس؛ روش شناسی عام لغوی و فقه اللغة؛ علم هرگونه فهم زبانی؛ مبنای روش شناختی علوم انسانی؛ پدیدارشناسی وجود و پدیدارشناسی فهم وجودی؛ و نظام های تأویل برای رسیدن به معنای نهفته در زیر اسطوره ها و نمادها. هر یک از این تعاریف چیزی بیشتر از مرحله ای تاریخی است و به سویه یا رویکرد مهمی به مسائل تأویل اشاره دارد. هر یک از این تعاریف روشنگر جنبه های مختلف ولیکن مشروع فعل تأویل و به ویژه تأویل متن است (Palmer, 1969, p.28). در این مقاله هرمنوتیک بر علم تأویل، به ویژه اصول تفسیر متن، دلالت دارد. تأویل دقیق با بدفهمی یا سوءتعبیر آغاز می شود (Weinsheimer, 1991, p. 32). علم هرمنوتیک در حکم روش شناسی تأویل است؛ روش هرمنوتیک در باب معنای عمیق و مکنون است. در این معنا، متن مبهم است و نیازمند نوع خاصی از تأویل است تا معنای مکنون آن بدست آید. بنابر این علم هرمنوتیک، نظام شخص تأویل کننده است برای یافتن معنای مکنون متن (Palmer, 1969, p.29).

مبانی نظری

ظهور پارادایم حکمرانی

بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ به این نتیجه رسید که مسئول حکمرانی یعنی شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت کنندگان موضوع کلیدی توسعه است که در گزارش منتشره این بانک در درباره توسعه آفریقا آمده بود (Leftwich, 2005, p.589). این مسئله بتدریج در بانک جهانی مورد مطالعه و بررسی عمیق تر قرار گرفته تا اینکه این موضوع در گزارش سالانه توسعه جهانی در سال ۱۹۹۶ با عنوان «از برنامه تا مازاد» به روشنی انعکاس یافته است. علاوه بر آن در اعلامیه پیش نویس ونکوور از حکمرانی به عنوان یک پارادایم جدید برای مدیریت بشر نام برده اند.

حکمرانی: مفاهیم و موضوعات کلیدی

واژه حکمرانی در علوم اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته و همچنین بحث روز جهان سیاست تبدیل شده است و افراد مختلف معنی متفاوتی را از آن برداشت می نمایند (Kooiman and Jentoft, 2009, p.820). واژه حکمرانی و حکومت دارای مفاهیم محض و تخصصی بوده که بعضا فارغ از مفهوم، معمولا جایگزین هم به کار می روند. اما قدمت حکمرانی به تاریخ تمدن بشری بر می گردد. این واژه یکی از قدیمی ترین و جدیدترین واژه ها در مطالعه علم سیاست است. در یونان باستان این واژه به کار می رفته و ریشه یونانی آن از فعل Kubernan به معنی هدایت کردن و کنترل کردن بوده است افلاطون این کلمه را برای چگونگی اداره نظام حکومتی به کار برده است "Kubernance" به کسی گفته می شد که سکان کشتی یا هدایت سفینه ای را بدست داشته است. در دوره میانه اروپا "guvernare" از فعل "to govern" به معنی حکومت و کنترل کردن معادل "government" به کار رفته است که به فرمانروایی و حکومت کردن توأم با اقتدار دلالت داشته است (Durdevic, 2006, p.42). در گذشته تفاوت روشنی میان (governance) و (government) نبوده و معنای این دو مفهوم به هم نزدیک بوده است. حکومت government به شیوه اداره جامعه سیاسی و حکمرانی governance به شیوه اداره امور و مدیریت مسائل اجتماعی مربوط می شده است (Durdevic, 2006, p.42). در حالی که استفاده از حکمرانی در علوم سیاسی غیر معمول نیست، افزایش ناگهانی استفاده از آن در اداره امور عمومی نشان دهنده تغییر عمده در مفهوم، گفتمان و همچنین برنامه های عملی در مدیریت خدمات عمومی است (Farazmand, 2004, p. 33).

حکمرانی دارای معنی متفاوت برای افراد مختلف است (Kooiman and Jentoft, 2009, p.822) با توجه به مفهوم حکمرانی، تعاریف متنوعی ارائه شده که در هر تعریف به جنبه های خاصی از آن مفهوم بیشتر

توجه می شود. بنابراین هرچند در بکارگیری این مفهوم، مقصود و منظور واحدی مدنظر همگان است، توجه به تفاوت ها و جنبه های مختلف، سطح و گستردگی حوزه این مفهوم را نشان می دهد که خود می تواند مبانی برای خط مشی گذاری و نیز اقدام بهینه باشد .

حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حکمرانان و حکمرانی شوندگان، حکومت و حکومت شوندگان مربوط می شود (McCarney and Rodriguez, 1995, p.125). در برنامه عمران سازمان ملل حکمرانی عبارت است از: اعمال اقتدار اداری، اقتصادی سیاسی در راستای مدیریت امور کشور در تمام سطوح بوده و سازوکارها، فرآیندها و موسساتی را در برمی گیرد که از طریق آنها، شهروندان و گروه های جامعه منافع خود را به هم پیوند زده، حقوق خود را پیگیری، تعهدات خود را ادا و اختلافات خود را حل و فصل می نمایند (Grindle, 2007, pp.542-544) در واقع حکمرانی به افراد و سازمان هایی می پردازد که در فرآیند تصمیم گیری و اجرای تصمیمات نقش دارند (Hamedinger, 2004, p.23) بینش های مهمی را می توان از تجزیه و تحلیل تغییر در رژیمهای حکمرانی در طول زمان به دست آورد (Herbst, 2000, p. 78) حکمرانی محرک کل فعل و انفعالات برای حل مشکلات اجتماعی و موجد فرصت های اجتماعی شامل تدوین و کاربرد اصول راهنمای تعاملات و مراقبت از نهادهای فعال یا کنترل آنها می باشد (Kooiman and Jentoft, 2009, p.824) حکمرانی اشاره به تشکیل و نظارت قوانین رسمی و غیر رسمی بر تنظیم عرصه عمومی، عرصه ای که دولت و همچنین اقتصاد و اجتماع بازیگران کنشگر تصمیم گیری هستند (Hyden and Mease, 2004, p. 57) و چگونه قوانین عملیاتی به نتایج (batterbury, 2006, pp. 1856-1857) خاص منجر می گردند دارد حکمرانی میتواند به وجود روابط قدرت بین دولت و جامعه مدنی اشاره داشته باشد (Beall, 2005, p.258; Harris and Tomquist, 2004, p. 78) کمیسیون حکمرانی جهانی حکمرانی را اینگونه تعریف کرده است: حکمرانی مجموعه ای از رو شهای گوناگون افراد و نهادهای عمومی و خصوصی است که امور مشترکشان را اداره می کند. حکمرانی فرایندی پیوسته است که از طریق آن، منافع متضاد یا متنوع تطبیق می یابد و کنشهای همکارانه انجام می شود. حکمرانی نهادهای رسمی و نظامهایی است که برای اعمال تعهدات، قدرت یافته است. همچنین تمهیدات غیررسمی را شامل می شود که افراد و نهادها درباره آن توافق کرده اند یا درک می کنند که وجود آنها به نفعشان است (Streeten, 2007, p. 39). هنگامی که از واژه حکمرانی برای بحث درباره حکومت و بخش عمومی استفاده می کنیم، منظور بنیان های نهادی اقتدار عمومی و تصمیم گیری است. در این وضعیت، واژه حکمرانی نهادها، نظام ها، قواعد بازی و سایر عواملی را شامل می شود که مشخص می کنند چگونه تعاملات سیاسی و اقتصادی، ساختارمند می شود، چگونه تصمیم ها گرفته می شود و منابع اختصاص می یابد (Grindle, 2010, p.37). در عصر

نظارت بر دموکراسی، جهت تکامل و گذر از عصر نظارت بر دموکراسی به عصر مشارکت نیاز به نوآوری بیشتری وجود دارد که در آن برای ایجاد یک حکمرانی دموکراتیک سالم راههای جدید برای تعامل شهروندان ترویج می شود. (Farazmand, 2012, p.238; Balestri, 2013, p. 8).

تأثیر جهانی شدن بر حکمرانی

عصر کنونی جهانی سازی نشان دهنده یکی از مهم ترین پدیده های تاریخی با مفاهیمی برای شکل دادن به ساختار اقتصادی تولید و توزیع، شکل های دولتی و روابط بین دولتها، الگوهای هنجارهای فرهنگی و شیوه زندگی، و شیوه های تولید دانش و تبادل اطلاعات است.

در مقایسه مراحل دوران استعمار و استعمار قدیم محل تلاقی و تعامل استعمار فرا ملی است، که فاز معاصر جهانی شدن توسط فرازمند به عنوان جهانی شدن غارتگرانه تحت نظام سرمایه داری و سرمایه داری چپاولگرانه تفسیر شده، که گسترش آن از نظر دامنه، تأثیرات چند بعدی، و سرعت بی سابقه، شدت، و پیچیدگی در سراسر جهان قابل توجه است (Farazmand, 2012, p. 498; Haque, 2004, p.541). بنابراین، جهانی شدن به طور گسترده ای به "مفهوم اصلی زمان ما" به رسمیت شناخته شده و پیامدهای آن برای اقتصاد، جامعه، سیاست، فرهنگ، و محیط زیست به طور جدی در رشته های متنوع دانشگاهی مانند اقتصاد، جغرافیا، جامعه شناسی، علوم سیاسی و فلسفه مورد مطالعه قرار می گیرد (Kim, 2011, p.165). با این حال، یک گفتمان نسبتاً کافی در رشته اداره عمومی در خصوص مفاهیم ضمنی بسیار مهم و اساسی عامل جهانی شدن برای شکل دادن به حکمرانی عمومی وجود دارد، اما مطالعات اندکی برای ارائه تفسیر جامع تر از جهانی شدن و پیامدهای نامطلوب آن برای دولت های عمومی صورت گرفته است (Farazmand, 2006, p. 23; Jreisat, 2009, p.48; Farazmand, 1999, p.520). فرازمند تحقیقات گسترده ای را در رابطه با علل، بازیگران، و پیامدهای جهانی شدن، به ویژه با توجه به تغییر نقش و ساختار دولت و مدیریت عمومی انجام داده است (Farazmand, 2001, p.458; Farazmand, 2002, p.365). تعدادی از عوامل موثر و نیروهای شتاب دهنده فرایند جهانی شدن عبارتند از: فن آوری، نوآوری، فشارهای نظامی و سیاسی و جنگ های سازمان ملل بر کشورهای جهان سوم، سقوط اتحاد جماهیر شوروی سابق به عنوان یک جایگزین سیستم قدرت جهان، نقش تبلیغات ایدئولوژیک غرب، نقش آژانس های سازمان ملل مانند صندوق بین المللی پول (IMF)، بانک جهانی (WB)، و سازمان تجارت جهانی (WTO)؛ کمک کنندگان بین المللی، از جمله USAID، افزایش انتظارات شهروندان، از جمله خواسته های کارگری برای به اشتراک گذاری قدرت در مدیریت و دموکراسی سازمانی، و در دسترس بودن جدید نیروی کار ارزان در گروه جنسیتی و نژادی در

سراسر جهان (Farazmand, 2012, p.239; Hoffmann, 2006, p.44). مفهوم "جهانی شدن" سرشار از تفسیرهای متعدد است که به تمرکز تحلیل (فرآیند، ساختار و پیامدها) عناصر تشکیل دهنده آن (سرمایه، دولت، مردم، ایده ها، و فن آوری) و حوزه آن (اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی) بستگی دارد. در حقیقت جهانی شدن یک فرایند یکپارچه سازی ملت ها، جوامع، و مردم در حوزه های اقتصاد، سیاست، فرهنگ، ایدئولوژی و دانش است که از طریق شبکه های فراملی سرمایه، تولید، ارز، فن آوری، و اطلاعات، که تحت مالکیت و کنترل نامساوی سازمانها و گروهها و افراد قرار می گیرند تحقق می یابد (Haque, 2013, p.13). باید تاکید کرد که در میان ابعاد اصلی جهانی سازی (اقتصاد، سیاست، ایدئولوژی، فرهنگ، زبان، دانش و اطلاعات)، اقتصادی به عنوان عامل مرکزی نقش ایفا می کند (Tillah, 2005, p.78). واقعیت این است که اکثر اثرات ملموس جهانی شدن در قلمرو اقتصادی (تجارت بین المللی، سرمایه گذاری خارجی، جریان سرمایه) روی می دهد، اما این امر یکی از علتها بوده و دلیل اصلی این است که فرآیند جهانی شدن تا حد زیادی متکی بر نیروهای بازار بوده، رهبری و مدیریت قدرت اقتصادی جهان، با هدایت ایدئولوژی سرمایه داری است (Mitrovic, 2008, p.183).

حدود یک دهه پیش، با شتاب گرفتن فرایند جهانی شدن، شاهد توسعه جنبش مردمی در سراسر دنیا ضد جهانی شدن بودیم. این یک جنبش جهانی است که با هدف کاهش اثرات منفی جهانی شدن مانند تخریب محیط زیست، غارت اقتصادی، فقر، کارهای اجباری، کار کودکان، و دستمزد برده داری صورت گرفته است (Farazmand, 2004, p. 32). در سال ۲۰۱۲ جنبش های سرمایه داری دو برابر شده است که افزایش تظاهرات اقتصادی و سیاسی در جهان و بحران سرمایه داری گواه بر این امر است (Farazmand, 2012, p.238). مفهوم "حکمرانی" به طور مستقیم به ظهور جهانی شدن در عصر حاضر مرتبط است، "یک فرایند که از طریق آن در سراسر جهان، یکپارچه سازی در حال وقوع است" (farazmand, 1999, p.518)، و اداره عمومی در عمل نقش ناظم مرکزی را دارد (Farazmand, 2004, p. 34; Farazmand, 2009, p1017; Farazmand, 2012, p.239).

نوع شناسی حکمرانی

دو مبنا در زمینه حکمرانی به عنوان مبانی غالب همواره مورد توجه بوده است. این دو یکی مکتب لیبرالیستی و دیگری مکتب کمونیستی است. مکتب لیبرالیستی یا سرمایه داری منادی دولت کوچک بوده و بخش خصوصی را عامل توسعه قلمداد می کند. بر عکس مکتب کمونیستی در گذر به غایت تاریخ، به دولتی سازی

افراطی تاکید دارد. این دو شیوه حکمرانی طیفی را تشکیل می دهند که از نقش مطلق بخش دولتی تا کمترین نقش برای دولت در نوسان است.

میتنبرگ (1998) حکمرانی را در قالب پنج مدل بررسی می کند: حکمرانی به مثابه ماشین : در این مدل حکمرانی مانند ماشین تلقی می شود که از طریق قوانین و مقررات و استانداردها اداره می شود. این مدل با مدل سنتی بوروکراسی سازگار بوده و هسته اصلی آن را " کنترل " تشکیل می دهد. روابط در آن سلسله مراتبی بوده و انعطاف ناپذیری و فقدان پاسخگویی از ویژگی های آن می باشد. حکمرانی به مثابه شبکه های ارتباطی؛ در این شیوه انعطاف پذیری و آزادی عمل جای کنترل همه جانبه و سلسله مراتبی را گرفته و حکومت به مانند شبکه پیچیده ای از روابط در نظر گرفته می شود که از طریق برقراری شبکه های ارتباطی به حل مسائل می پردازند. حکمرانی مبتنی بر کنترل عملکرد؛ که تاکید بر تعریف شاخص های عملکرد و اندازه گیری دقیق آن دارد؛ حکمرانی مبتنی بر حداقلی کردن بخش دولتی؛ در این مدل اعتقاد بر حداقل دخالت دولت در امور و به عبارتی دیگر بی دولتی است. طرفداران این مدل به خصوصی سازی افراطی تاکید دارند؛ حکمرانی مبتنی بر کنترل قانونی؛ این شیوه ریشه در ارزش ها، باورها و عقاید دارد (Mintzberg, 1996, p.75). اریک لن (1994) با بررسی ویژگی های بخش دولتی و رویکرد بازار، مدیریت دولتی را به عنوان روش مناسب حکمرانی پیشنهاد می کند (Lane, 1994, p. 148). فرل هدی (1995) از چهار شیوه حکمرانی مشارکتی، حکمرانی انعطافی، حکمرانی آزاد و حکمرانی مبتنی بر مقررات زدایی بحث می کند (Heady, 2001, p. 77). رودز (1996) نیز از شش روش حکمرانی به مثابه دولت حداقل، حکمرانی به مثابه حکمرانی شرکتها، حکمرانی به مثابه مدیریت دولتی نوین، حکمرانی به مثابه " حکمرانی خوب"، حکمرانی به مثابه سیستم سایبرنتیک اجتماعی و بالاخره حکمرانی به مثابه شبکه های خود سازمانده یادمی کند (Rhodes, 1996, p. 88). پور عزت (۱۳۹۰) در رصد هویت اداره دولت و حکومت از سنتزهای قاتلی بحث می کند که در چالشهای مستمر خود تز و آنتی تز را تحت تاثیر قرار داده اند. بدین ترتیب که پس از اولین کنفرانس مینوبوروک با فراخوانی والدو با مقاله فردریکسون، اداره دولتی نوین شکل می گیرد که مبانی رویکرد سنتی اداره دولتی را به باد انتقاد گرفته و نوعی تضاد دیالکتیکی را نمایان می سازد و حاصل این تضاد دیالکتیکی، شکل گیری سنتزهای متفاوت در قالب رویکردهای مدیریت دولتی نوین، حکومت کارآفرین/ باز آفرینی حکومت، حکومت الکترونیک، حکمرانی خوب، خدمات دولتی نوین و حکمرانی سالم می شود و انتخاب عنوان سنتزهای قاتل از آن روست که این سنتزها تا حد زیادی موجب فراموشی تز و به ویژه آنتی تز شدند که عامل ایجاد و توسعه مبانی آنها بودند (Pourezzat, 2011, p. 76). برخی از مفاهیم که اغلب در خصوص حکمرانی یا حکومت در طول دو و نیم دهه گذشته استفاده می شود عبارتند از: حکمرانی خوب، دولت کارآفرین، دولت رقابتی، حکمرانی مبتنی

بر بازار، حکمرانی اقتصادی، متا حکمرانی، حکمرانی سیاسی و اجتماعی، حکمرانی مشارکتی، حکمرانی قانونی، حکومت سکاندار در مقابل حکومت پارو زدن، و مانند آن. ویژگی های کلیدی تمام این مفاهیم این ادعا در رد اشکال سنتی استبداد است (Farazmand, 2004, p. 21; Farazmand, 2012, p. 237) حتی پایه های اصلی منبع فکری مدیریت عمومی نوین مستقیماً از نظریه انتخاب عمومی سرچشمه می گیرند که در برابر بوروکراسی تجویز شده است (Mongkol, 2011, p.41). ارائه خدمات عمومی از طریق سازمان های دولتی، و هزینه های سرمایه اجتماعی، در حمایت از خصوصی سازی، مصرف گرایی، فردگرایی و بیشتر مخارج دولت نظامی امنیتی برای ترویج سیستم سرمایه داری شرکت های بزرگ است. گروه دوم از مفاهیم حکمرانی در نوشته های دانشمندان اجتماعی دیده می شود همچنین در پروژه های سازمان ملل متحد که شامل حمایت ها، سمینارها و کارگاه های آموزشی در سراسر جهان است (Farazmand, 2004, p.31; Farazmand, 2012, p.240).

حکمرانی خوب از ایده تا عمل

به دلیل ظهور همزمان مفهوم حکمرانی و حکمرانی خوب، و استعمال آن به جای هم و نیز تلقی از حکمرانی خوب به معنی حکمرانی مبتنی بر قانون، ابهام در تعریف حکمرانی مشمول عبارت حکمرانی خوب نیز می شود. حکمرانی خوب مفهومی است که اخیراً در علوم سیاسی، مدیریت دولتی، و بویژه در مدیریت توسعه وارد شده است، و با مفاهیم و عبارت هایی چون دموکراسی، جامعه مدنی، مشارکت عمومی، حقوق انسانی و توسعه اجتماعی و پایدار معنی می شود (Okot-Uma and London, 2000, p.5). نظریه پردازان معتقدند که حکمرانی خوب مفاهیمی چون مشارکت، شفافیت و پاسخگویی را نیز در کنار دیگر مشخصه ها مورد توجه قرار می دهد. در برنامه توسعه ملل متحد حکمرانی خوب شامل مکانیزم ها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن شهروندان، گروه ها و نهادهای مدنی منافع خود را محقق و تعهدات خود را برآورده می سازند. بانک جهانی نیز شاخص هایی چون حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان آشوب، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد و انتخابات آزاد و منصفانه را برای سنجش حکمرانی خوب در کشورها استفاده کرده است. کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه، شاخص های حکمرانی خوب را بر اساس ویژگی های مشارکتی، مبتنی بر اجماع، پاسخگو، شفاف، مسئولیت پذیر، منصفانه، کارآ، مؤثر و مبتنی بر حاکمیت قانون تعریف نموده است (Kaufmann, 2007, p.113).

حکمرانی خوب به ساختارهای نهادی و منابع اقتصادی قابل دسترس بستگی دارد. در برخی موارد ساختارهای دولتی متمرکز، کارآمدی لازم را ندارند و در مواردی ساختارهای غیر متمرکز نامناسب و ناکافی

هستند . بنابراین در برخی موارد حکمرانی خوب از طریق رویکردهای مشارکتی و عدم تمرکز بدست می آید و در مواردی دیگر بوسیله ساختار دولتی متمرکز حاصل می شود . لذا ساختار جهانشمولی وجود ندارد که در همه موقعیتهای کاربرد داشته باشد (Roy and Tisdell, 1998, p.1318)

اقتصاددانان از زمان آدام اسمیت می دانستند که ویژگی هایی مانند شفافیت، کارآمدی، برابری حقوقی، فساد کم و مشارکت برای حکومت ها اهمیت دارد، اما موضوع اصلی، شیوه دستیابی به آن است که اطلاعات اندکی درباره آن داریم این عدم شناخت باعث شده است در زمینه خط مشی گذاری نیز مشکلاتی وجود داشته باشد (Rodrik, 2008, p. 18). حکمرانی خوب، اثر مثبتی بر رشد اقتصادی و توسعه دارد، اما دانش اندکی درباره شیوه این وضعیت درباره دستیابی به حکمرانی خوب وجود دارد (Acemoglu, 2008. p.7). از جمله دلایل عملی نشدن و ناموفق بودن آن تقدم و تاخر استفاده از این نظریه در دو گروه کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته تلقی بوده، که حدود 150 تا 200 سال طول کشید تا غرب به بستری برای تحقق حکمرانی تبدیل شود . درحالی که آنها انتظار دارند کشورهای در حال توسعه بدون پیمودن این مسیر استراتژی حکمرانی خوب را اجرا نمایند غافل از اینکه برای مثال وضعیت 1850 بریتانیا شبیه وضعیت امروز هند و وضعیت 1875 ایتالیا شبیه وضعیت امروز پاکستان بود . در نتیجه انتظار موفقیت حکمرانی خوب در این کشورها انتظاری غیرواقعی است . دلیل دیگر اینکه بسترهای نهادی این کشورها با استاندارد جهانی فاصله زیادی داشته و ارتباط نزدیکی با حکمرانی خوب ندارد . در نتیجه حکمرانی خوب در عمل به عنوان روشی برای دستیابی به جامعه پایدار با مشکلاتی مواجه است . بنابراین نمی توان به صراحت گفت که حکمرانی خوب موجب توسعه می شود (Hong, 2002, p. 27).

کلیمنز به ابعاد اخلاقی و فنی در حکمرانی خوب اشاره کرده است . تعریف مفهوم خوبی با توجه رویکردهای غیر شناختی و رویکرد شناختی در مکاتب اخلاقی نیز یکی از مباحث مطرح هست در این امتداد نگاره یک قابل ارائه می باشد.

نگاره ۱. مقایسه مکاتب اخلاقی

محتوای مکتب	مکاتب فلسفی	رویکردها
تحصل گرایی منطقی (دبویدهیوم): ✓ قضایای اخلاقی فاقد اعتبارند. موثر بودن گزاره‌های اخلاقی نسبی گرایی (توماس هابز): ✓ خیر و شر خصیصی نسبی دارد و هرآنچه موافق امیال و خواش‌های انسان باشد خوب است.	۱. تحصیل گرایی منطقی ۲. نسبی گرایی	غیرشناخت گرایی: اوصاف اخلاقی نسبی با عالم واقع ندارند. در نتیجه معرفت اخلاقی حاصل نخواهد شد.
طبیعت گرایی (جرمی بنتام): ✓ خوبی وصفی خارجی، طبیعی و قابل تعریف است. شهود گرایی: ✓ وجود خوبی و غیرقابل تعریف بودن آن، ترتب و تعمیم پذیری. کشف اصول اخلاقی از طریق شهود استقرایی. شهود گرایی کلاسیک (جرج ادوارد مور): ✓ خطاناپذیری در شهود اوصاف سبک اخلاقی. شهود اوصاف اخلاقی امری کاملاً ذهنی و شخصی است شهود گرایی معتدل (رابرت آتودی): ✓ احتمال خطا پذیری در کشف اوصاف سبک اخلاقی. بین‌الذهانی بودن کشف اوصاف سبک اخلاقی.	۱. طبیعت گرایی: ✓ نتیجه گرایی ✓ فایده انگاری ۲. شهود گرایی: ✓ شهود گرایی کلاسیک ✓ شهود گرایی معتدل	شناخت گرایی: اوصاف اخلاقی نسبی با عالم واقع دارند و قابل کشف‌اند.

منبع: (دباغ و نفری، ۱۳۸۸، ۱۲)

ناکارآمدی مفهوم حکمرانی و حکمرانی خوب در نتیجه دو عامل است: یکی اینکه تعامل فقط سه نیرو یا عنصر به نظر در حکمرانی خوب مشارکت دارند: تعامل میان دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی. شاید از مهمترین نیروهای تاثیر گذار در دولتهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته غافل شود یعنی ساختارهای قدرت بین المللی / جهانی، قدرت دولتی جهانی سازی و برگزیدگان شرکت های جهانی که مایل به دیکته سیاستها بر دیگر ملتها هستند. این نیروی بین المللی استعمارطلبی قرن ۱۹ را به امپریالیسم جدید در قرن بیستم و بیست و یکم تبدیل کرده است این دخالت از طریق فن آوری، مداخلات سیاسی، اقتصادی، و نظامی در طول هفتاد سال گذشته بوده است. و اینکه حکمرانی در کشورهای در حال توسعه بیشتر تحت تسلط این قدرتهای جهانی بوده و کمتر در دست جنبش های داخلی بوده است، این منطق زور و تحمیل به جای احترام دو طرفه است که جهان و بین الملل و فرایندهای داخلی حکومت را اداره می کند. حتی سازمان ملل متحد تبدیل به یک ابزار برای این منطق در حکومت جهانی شده است (Farazmand, 2012, p.18; Farazmand, 2004, p. 240).

در تضاد دیالکتیک اداره دولتی سنتی و اداره دولتی نوین پنج سنتز متفاوت که در چالشهای مستمر خود، تز و آنتی تز را تحت الشعاع خود قرار دادند؛ مطرح گردیدند: مدیریت دولتی نوین، حکومت کارآفرین / بازآفرینی

حکومت، حکومت الکترونیک، حکمرانی خوب و خدمات دولتی نوین. (پورعزت، ۱۳۹۰، ۲۶۰) در همین امتداد در ارزیابی رویکردها و نظریه های اداره و حکمرانی مهم ترین کارکردهای دانش اداره عبارتند از:

الف) تعریف مختصات سیستم اداری آرمانی

ب) حل مشکلات اداری جامعه، اینجا و اکنون

در رویکرد سنتی، دیدگاه وبر معطوف به طراحی سازمان آرمانی بود، در حالی که رویکرد ویلسون، تیلور، و مایو معطوف به حل مسأله اداره در ساحت های سیاست، اجرا و روابط انسانی بود. در رویکرد اداره دولتی نوین، مسیرهایی به سوی کشف الگوی آرمانی اداره رونمایی شد. وعده اداره برابر گرا، شفاف، پاسخگو، و حساب پس ده و مشتری مداری با اهداف اداره نو همخوانی می شد. رویکرد مدیریت دولتی نوین، تقلید از بازار، آرمان دانش مدیریت تلقی می شد و راهکارهای مدیریت بخش خصوصی، ابزارهایی کارآمد و مشکل گشا به حساب می آمدند. از رویکرد حکومت کارآفرین، ابداع و نوآوری مستمر و پویا، آرمان حکومتی تسهیل گر، پاسخگو و بازار گرا تلقی می شد. و ساز و کار بازار مشکا گشای سازمان بود در رویکرد حکمرانی خوب، حاکمیت قانون، شایسته سالاری، تمرکززدایی و مبارزه با فساد آرمان است. و قراردادگرایی و به پیمان سپاری ابزار نیل به آن در انگاره آرمانی رویکرد حکومت الکترونیک، انسان و تمایلات انسانی از فرا گرد اداره و حکمرانی حذف می شد تا حکومتی سریع، خدمت رسان، شفاف و تبعیض زدوده نمایان شود و راه حل های الکترونیکی، حل کننده همه مشکلات اداری تلقی می شد. در رویکرد خدمات دولتی نوین، تحقق حاکمیت شهروندان آگاه، هدفی آرمانی محسوب می شد استفاده از خدمت به مثابه ابزار کسب منزلت در اولویت قرار می گرفت. (پورعزت، ۱۳۹۰، ۲۷۴)

حکمرانی سالم

مفهوم "حکمرانی سالم" به عنوان یک جایگزین برای حکمرانی خوب در کتاب فرازمند با عنوان حکمرانی سالم معرفی و دلایل زیر را برای این جایگزینی مطرح می نماید. اول، آن که جامع تر از هر مفهوم دیگر است، و عناصر مهم جهانی و بین المللی حکمرانی را شامل می شود. دوم، شامل ویژگی های هنجاری و همچنین فنی و منطقی از حکمرانی خوب است. با این حال، آن یک دیدگاه متعادل از حکمرانی را ارائه می دهد که کمتر جانبدارانه بوده و ویژگی های واقعی از سیستم حکمرانی بومی را دارد. سوم مفهوم حکمرانی سالم تمام ویژگی های با کیفیت حکمرانی را نسبت به حکمرانی خوب دارا بوده و از لحاظ فنی، حرفه ای، سازمانی، مدیریتی، سیاسی، دموکراتیک، اقتصادی و از نظر ظرفیت و رفتار پیش بینی کننده سالم است، در شخصیت، حساب پس

دهی، و شایستگی دموکراتیک‌تر می‌باشد، و ارزش‌های فرهنگی آن در ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی تعبیه شده است. **چهارم**، حکمرانی سالم با ارزش‌های قانون اساسی در توافق بوده و به هنجارهای بین‌المللی، قوانین، و رژیم پاسخگوست. **پنجم**، مفهوم حاکمرانی سالم منشاء باستانی در اولین امپراتوری دولت ایران در زمان داریوش و کورش بزرگ با سیستم اداری بسیار کارآمد و موثر جهانی دارد، "هیچ امپراتوری بدون یک اقتصاد سالم و اداره و سیستم‌های اداری سالم"، نمی‌تواند موفق باشد، و امپراتوری فارسی در حوزه‌های اقتصادی، مدیریتی، و سیاست‌سازمانی و بازسازی حکومت و نظام اداری خود نه تنها با وجود گستردگی سرزمین موفق بود، بلکه در کنترل سیاسی خود و پاسخ به بحران‌های غیرمنتظره و شرایط اضطراری کارآمد ظاهر شد و مدیریت استراتژیک و ساختار دولت به خوبی اداره و مدیریت یک امپراتوری جهانی را پوشش داده بودند (Farazmand, 2004, p.10; Farazmand, 2004, p. 18).

اگر چه مفهوم باستانی حکمرانی سالم، در مقایسه با استانداردهای معاصر نیست، پذیرش آن با اصلاحات ساختاری واقعی و عمیق در امور مالی، مدیریت، ارتباطات حقوقی و محلی، بر اساس اصل اصیل "دامنه تغییر" حکومت، ایده این نام گذاری بوده است (Farazmand, 2004, p.11; Farazmand, 2012, p. 235). مفهوم حکمرانی سالم فراتر از همه مفاهیم دیگر حکمرانی‌های شامل پنج بعد اصلی و چهار عنصر تعاملی است (Farazmand, 2004, p.11).

حکمرانی در اینجا عبارت است از مشارکت در فرایند حاکم بر امور اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی یک کشور، ایالت، و یا جامعه محلی از طریق ساختارها و ارزش‌هایی که آینه جامعه است. این شامل دولت به عنوان یک نهاد توانمند، چارچوب قانون اساسی، جامعه مدنی، بخش خصوصی، و ساختار نهادهای بین‌المللی / جهانی در این محدوده است و حکمرانی سالم در نتیجه ورود و مشارکت و تعامل در یک محیط ملی و بین‌المللی به طور فزاینده‌ای پیچیده، متنوع و پویا است (Farazmand, 2004, p.11; Farazmand, 2012, p. 235).

حکمرانی سالم متشکل از چند جزء اصلی یا بعد است. به عنوان عناصر پر جنب و جوش از یک سیستم پویا، این عناصر ساختاری در تعامل پویا با یکدیگر، یک وحدت منحصر به فرد با تنوع داخلی، پیچیدگی، هماهنگی و شدت تشکیل داده، و در چالش‌های خارجی، محدودیت‌ها و فرصت‌ها عمل می‌کنند. هر دو ویژگی پویایی داخلی و خارجی باعث برقراری ارتباط مداوم و پویا نگه داشتن سیستم حکمرانی از نظر جهت و اقدامات در راستای اهداف می‌گردد (Farazmand, 2004, p.12; Farazmand, 2012, p. 235). حکمرانی سالم دارای ابعاد مختلف است. این ابعاد شامل (۱) فرآیند: که عبارت از یک فرایند حاکم با تعامل

همه عناصر و ذینفعان است : این به معنی است که حکمرانی خوب سبب بهبود است، اما برای چه کسی و از چه منظر؟ حکمرانی سالم فقط در مورد فرآیندهای داخلی و خارجی نیست، بلکه دارای یک ساختار است. (۲) ساختار: ساختار بدنه عناصر تشکیل دهنده است، بازیگران، قوانین، مقررات، دستورالعمل ها، چارچوب تصمیم گیری، منابع معتبری که تحریم کننده یا مشروعیت بخش فرآیند حکمرانی است. این ساختار به هر دو صورت عمودی و افقی شکل گرفته و عمل میکند و توسط بسیاری از عوامل و نیروهای داخلی و خارجی، داخلی و بین المللی تحت تاثیر قرار می گیرد. (۳) شناخت و ارزش ها: بعد شناختی یا ارزشی، نشان دهنده سیستم ارزشی منحصر به فرد یا منحرف ساختار حکمرانی یا فرآیند است. حکمرانی سالم ارزش سالم و پویا را که زیربنای ابعاد آن ساختار و فرآیند است، می پروراند. (۴) قانون اساسی: بعد مهم حکمرانی و حکمرانی سالم قانون اساسی حکومت و سیستم حکمرانی است. قانون اساسی سند اساسی هدایت است که به عنوان یک طرح مبنایی برای حکمرانی است. (۵) سازمان و نهاد: یکی دیگر از ابعاد حکمرانی سالم اجزاء و خواص سازمانی و نهادی است. ساختار حکمرانی و فرایند و نیز خط مشی ها در سازمان های حکومتی به نهادها بستگی دارد، و بدون نهادها حکمرانی سالمی وجود نخواهد داشت (۶) مدیریت و عملکرد؛ ابعاد مدیریتی و عملکرد با حکمرانی سالم به طور مستقیم در ارتباط است. آنها بخش جدایی ناپذیر از کل سیستم می باشند اما عملکرد صرف کافی نیست، بلکه باید به اهداف و نتایج مورد نظر منجر شود، نتایجی که به مشروعیت سازمان و سیستم می انجامد. (۷) خط مشی: بعد خط مشی حکمرانی سالم، به عناصر و ابعاد فرایند، ساختار و مدیریت راهنمایی، جهت، و راهبری سالم می دهد. دو نوع از خط مشی به منظور اداره امور سالم وجود دارد: یکی خارج سازمان های فردی حکمرانی است، و آن از مقامات قانونی، سیاسی و قضایی به نمایندگی از اراده مردم می آید. این نوع خط مشی ها به سازمانها و نهادهای حکمرانی برای رسیدن به اهداف و مقاصد مورد نظر راهنمایی و جهت می دهند. نوع دوم خط مشی داخل سازمان ها و موسسات فردی حکمرانی است و خط مشی سازمانی، مجموعه راهنمایی راهبری است که تعریف و تعیین قوانین، مقررات، رویه ها و ارزش ها است که برای مدیریت عملکرد سازمانی به سمت رسالت و اهداف مورد نظر حکمرانی سالم استفاده می شود. (۸) نیروهای بین المللی و یا جهانی شدن : ابعاد بین المللی و یا جهانی شدن به عنوان یک بعد بسیار مهم حکمرانی سالم است (۹) اخلاق، حساب پس دهی، مسئولیت پذیری و شفافیت: قابلیت های کلیدی حکمرانی سالم پایه و اساس اصولی خود را بر ارزش های اخلاقی، الزامات پاسخگویی و شفافیت ساختار ها و ارزش ها بنا نهاده است. این اصل اساسی بازبینی های حکمرانی سالم در برابر سوء استفاده بالقوه و فساد سیستم و همچنین در برابر اصول کورکورانه کارایی و اقتصاد خالص در مدیریت و فرآیندهای اداره می باشد (۱۰) مشارکت و تعامل شهروندان : حکمرانی سالم متکی بر تعامل شهروندان، مشارکت شهروندان در فرم های مختلف سازمانی و

سیاسی نهادینه شده است. بدیهی است که این همه بستگی به سطح مطالبات اداره حکمرانی محلی برای دخالت مستقیم و غیر مستقیم شهروندان در فرایند حکمرانی سالم دارد. در سطح ایالتی یا استانی، مشارکت شهروندان غیر مستقیم است، اغلب نظرات به واسطه نمایندگی سازمان ها و موسسات، بیان می گردد. در سطح ملی، حکمرانی به صورت توابع مختلف شکل می گیرد و نیاز به درگیری های مختلف شهروندان است. در نهایت، حکومت جهانی مجموعه ای کامل از اشکال مختلف نهادی، سیاسی، و اقتصادی حکمرانی را در بر می گیرد. هر یک از این ابعاد هماهنگ با دیگر بعدها کار می کند مانند یک ارکستر، با رهبری سالم و مشارکت پویا از عناصر تعاملی و یا اجزای فوق الذکر، که کیفیتی فراتر از انتظارات به سیستم حاکمرانی می دهد (Farazmand, 2004, pp. 236-238). سطوح حکمرانی شامل محلی، ملی، منطقه ای و بین المللی و همچنین سطح جهانی می شود. در عصر جهانی شدن، همه این سطوح حکومت به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به هم مرتبط هستند به عنوان مثال، در حالی که مسائل مربوط به فقر، بهداشت، مهاجرت نگرانی های جهانی هستند، آنها همچنین در حکمرانی محلی و ملی اثر می گذارند (Farazmand, 2004, pp. 17).

نوآوری کلید حکمرانی سالم است، نوآوری در خط مشی و اداره، هسته حکمرانی می باشد. بدون خط مشی و نوآوری های اداری، حکمرانی به فساد، عدم کارایی و سقوط نیل کرده، ظرفیتش را برای حکومت از دست داده، و به انتقاد و شکست می انجامد (Farazmand, 2012, pp. 239). نوآوری های خط مشی در حکمرانی برای انطباق و سازگاری با تغییرات سریع محیطی جهان تحت جهانی شدن ضروری است. این نیز برای شکل گیری و افزایش ظرفیت حکومت و حکمرانی سالم مهم است. عدم نوآوری به معنای عدم انطباق، عدم ایجاد ظرفیت، و حکومت غیرموثر است (Farazmand, 2004, p.29). بدون سیستم اداری و یا مدیریتی نوآورانه و سازگار، سیاست های نوآورانه محکوم به شکست هستند. خط مشی های ابتکاری بدون سازمان و ظرفیت برای پیاده سازی آن بی معنی است و بدون اجرای و اداره سالم، حکمرانی سالمی وجود نخواهد داشت. بنابراین، خط مشی و اداره نوآوری، کلید حکمرانی سالم به ویژه در عصر جهانی شدن و تغییر سریع هستند (Farazmand, 2012, pp. 239). نوآوری های خط مشی و اداره شامل بسیاری از نوآوری های مدیریتی، نهادی، سازمانی، فرهنگی، و فن آوری به منظور انطباق و خلق و ایجاد ایده ها که فرایند و ساختار حکمرانی را متحول می کنند میشود (Farazmand, 2004, p.29). ابعاد و ویژگیهای حکمرانی سالم بیشترین ایجاد و افزایش ظرفیت های مدیریتی، اداری، و حکمرانی، نه تنها برای حفظ عملکرد بالا و همچنین در یک روش پیش بینی، به منظور رویارویی با چالش های جهانی شدن کمک می کنند (Farazmand, 2012, pp. 239).

حکمرانی متعالیه

داستان حکمرانی تعالی گرا، داستان تعهد جدی، آگاهانه، مستمر، و مستقل سیستم اجتماعی به سوی تحقق عدالت اجتماعی است که علاوه بر الزامات حکمرانی خوب و حکمرانی سالم، ویژگی‌های زیر را دارد:

استقلال در انتخاب: توسعه پایدار مستلزم انتخاب مستقل و فارغ از اضطراب است. هر انتخاب و از جمله انتخاب نوع حکومت، هنگامی روا و منطبق بر شأن اخلاقی انسان است که با آزادی و اختیار توأم شود. آگاهی در انتخاب: انتخاب آگاهانه ضامن پایداری انتخابهای خوب است.

جدیت در انتخاب: هر چند حکمرانی خوب بر مشارکت عامه تأکید دارد، ولی طرحی برای جلب مشارکت جدی عامه و تحقق آن در متن جامعه ندارد در حالی که نیل به شرایط اجتماعی مطلوب، مستلزم برانگیختگی و جدیت عامه مردم است.

استمرار در انتخاب: هر چند حکمرانی خوب بر قانون و دموکراسی صحه می‌گذارد تأثیر آهنگ حاکمیت بر اصالت حاکمیت مستمر ملت بر سرنوشت خویش خدشه وارد می‌سازد (خردمندی مردم و اصلاح خردمندانه) در حکمرانی تعالی گرا تلاش می‌شود تا با توسعه دموکراسی الکترونیک، امکان بازیابی مستمر آرا عامه فراهم شود. (پورعزت، ۱۳۹۰، ۲۸۸)

داستان سیستم خط مشی گذاری عصرمدار

سیستم خط مشی گذاری عصرمدار از توسعه ظرفیت جامعه حکایت دارد. جامعه ای که در این داستان می‌تواند به طور مستمر خود را به روز کند، ارتقاء دهد و در مسیر تعالی قرار گیرد. توسعه سیستم خط مشی گذاری چند سطحی در سلسله مراتبی از خط مشی های کلان تا ریز خط مشی های ضرورت می‌یابد (قطرات باران). برای استمرار دانش افزایی در خط مش گذاری، طراحی سیستم زهکشی مسیر نهرهای خط مشی است به طوری که جامعه ای برابر و حق طلب را مستمراً مورد حمایت قرار دهد و از هرگونه تمایل عام و خاص به سلطه، اجتناب ورزد جامعه ای که در آن همه آحاد مردم، آگاهانه، مستقل، جدی، مستمر و مشتاق، در مسیر کمال و تعالی قرار گیرند.

حکمرانی تعالی گرا و سیستم خط مشی گذاری عصر مدار باید زمینه روایت گری همگانی و وضع واقعیت بر اساس روایتی رو به تعالی از حکومت و دولت فراهم آید: به گونه ای که روند ساخت اجتماعی واقعیت آینده، به طور مستمر در معرض اصلاح و بازبینی قرار داشته باشد. (پورعزت، ۱۳۹۰، ۲۹۰)

حکمرانی آینده

ما در جهانی زندگی میکنیم که در آن تغییرات سریع، عدم قطعیت و پیچیدگی‌ها مرتباً در حال افزایش است. با این وجود، روندهای کلان اندکی هستند که ما درباره وقوع آن در سالهای آتی آگاه هستیم. به طور کلی ۵ عامل کلان سناریوهای آینده حکمرانی را تحت تاثیر قرار خواهند داد.

اولین عامل کلان؛ انفجار نوآوریهای فنی و دانش جدید و پیشرفتهای تکنولوژیکی یکی از عوامل تاثیر گذار بر حکمرانی آینده هست (پور عزت، ۱۳۸۹، ۴۷۴ به نقل از دهنارت، ۱۹۹۹) باید بگوییم که اتوماسیون، رباتیک و هوش مصنوعی مرتباً در حال پیشرفت سریع هستند و ماهیت و تعداد شغل‌های موجود را تغییر می‌دهند.

عامل کلان دوم ظهور اقتصادها و ساختارهای حکمرانی فراصنعتی است. (پور عزت، ۱۳۸۹، ۴۷۴ به نقل از دهنارت، ۱۹۹۹) همچنان که سیستم ارزیابی سیاستگذاری و استراتژی اروپایی که در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد، توازن قوا در سیستم جهانی به طور قابل توجهی در ۱۰ سال اخیر دگرگون شده و این روند احتمالاً تا سال ۲۰۳۰ نیز تداوم می‌یابد: چین حضور جهانی خود را افزایش داده است و روزبه روز بیشتر به قدرتی منطقه‌ای بدل می‌شود. روسیه نیز تمایل بیشتری برای مداخله در دیگر کشورها نشان می‌دهد. کشورهای در حال توسعه سریع اقتصادی مخصوصاً کشورهایی که جمعیت کارگری بزرگی دارند، مرتباً سهم خود را از تولید ناخالصی داخلی در سطح جهانی افزایش می‌دهند. کشورهای در حال توسعه بزرگترین چالشی که با آن مواجهند، افزایش مداوم شکافشان با کشورهای توسعه‌یافته به دلیل تکنولوژی است. ساختار سیاسی در جهان به طرف چندقطبی شدن در حال حرکت است. همچنین امکان ظهور تنش میان کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای در حال توسعه وجود دارد (Ohno, 2011) در صورت وقوع ایندگرگونی در میان قدرتهای اقتصادی، ما شاهد ظهور پارادایم جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل خواهیم بود که آینده‌پژوهی آن دشوار است.

عامل کلان سوم تحولات جمعیت شناختی و فرهنگی جوامع هست تغییرات جمعیتی است (پور عزت، ۱۳۸۹، ۴۷۶ به نقل از دهنارت، ۱۹۹۹) که پرسشهای متعددی را درباره پایداری محیطی، اقتصادی و اجتماعی به وجود می‌آورد. جز استثنای محدود، جمعیت جهان روبه پیری است. در سال ۲۰۱۵، تعداد ۹۰۱ میلیون نفر بالای شصت سال در جهان زندگی می‌کردند که ۱۲ درصد کل جمعیت جهان را شامل می‌شد. در سال ۲۰۵۰ پیش‌بینی می‌شود که در تمام جهان (به استثنای آفریقا) حداقل یک‌چهارم جمعیت بالای شصت سال باشند. چنین چیزی میتواند بر اقتصاد، نهادهای مختلف و دولتها فشار وارد کند. زندگی طولانی‌تر بر هزینه‌های درمان، مدل‌های تجارت و نیروی کار تاثیرگذار خواهد بود. حکومتها نیز با کاهش مصرف و فشار فزاینده بر

خدمات اجتماعی، مواجه خواهند شد. البته تغییرات جمعیتی بر احتمال وقوع مخاطرات جدی نیز اثر میگذارد. قدرتی در حال ظهور با جمعیتی جوان بیشتر مستعد انواع مخاطرات و تهدیدات است. براساس گزارش شهرهای جهان سازمان ملل تا سال ۲۰۳۰، دوسوم جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد. (un, 2016)

عامل کلان چهارم فرایند جهانی شدن است (پور عزت، ۱۳۸۹، ۴۷۶ به نقل از دنهاوت، ۱۹۹۹) به دلیل فرایند جهانی شدن، ساختارهای فراملیتی نقش محوری در سالهای اخیر یافته‌اند. البته آینده این ساختارهای فراملیتی نامطمئن و مبهم است. سیستم‌های حکمرانی جهان از کمبود مشروعیت رنج می‌برند. این مشکل نیازمند تأمل جدی برای یافتن راه‌حلی برای آن به منظور جلوگیری از چنددستگی در حکمرانی جهانی است (Zun, 2018).

عامل کلان پنجم فرسایش سطح اعتماد به به نهادهایی که به طور سنتی برای انطباق با پیامدهای اینگونه چالش‌ها ساختار یافته‌اند (پور عزت، ۱۳۸۹، ۴۷۷ به نقل از دنهاوت، ۱۹۹۹) حمایت‌گرایی، ملی‌گرایی و زوال ساختارهای حکمرانی در جهان نقش اصلی را در آینده حکمرانی ایفا می‌کنند. فرایندهای تصمیم‌گیری، ساختارها و روایت‌ها نیازمند تغییر هستند. اما این نخستین بار نیست که مدلهای حکمرانی نیازمند بازاندیشی هستند.

بعضی از محققان بر این باورند که مدلهای تمرکزگرایانه از حکمرانی اعتبارشان را از دست داده و در آینده ما شاهد ظهور مدلهای غیرتمرکزگرایانه از حکمرانی خواهیم بود که به وسیله سازمان ملل تسهیل خواهد شد (Orban, 2017) بعضی دیگر اما بر این باورند که روند موجود بر پارادایم جدیدی اشاره دارد که در آن بخش خصوصی و بخش سوم به طور فعالانه‌تری در سیاستها و ساختارهای حکمرانی جهانی مشارکت خواهند کرد (Muggah and Tiberghien, 2018)

مشخص است که سیستم حکمرانی در جهان باید میان کارآمدی و جذب هرچه بیشتر انسانها توازن برقرار کرده و هیچ گروهی از انسانها را به حاشیه نراند و صداهای هرچه بیشتری شنیده شود (Kawaguchi, 2017) دستیابی به مشارکت عمومی هرچه بیشتر و سهم کردن شهروندان در فرایندهای حکمرانی هدف غایی مهمی در این زمینه است، به خصوص از آنجایی که بیشتر مردم خودشان را به عنوان شهروندان جهانی می‌شناسند (Milkoreit, 2017)

نیروهای تعیین‌کننده آینده، ابزارهای بیشتری را در جهت بهتر شدن یا بدتر شدن در اختیار تصمیم‌گیران قرار می‌دهند. آنها روندهای موجود را تقویت کرده و سناریوهای جدیدی را رقم می‌زنند. البته در عین حال چالش‌های جدیدی را نیز می‌آفرینند. (Pomares, 2018)

نتیجه گیری

استفاده از واژه حکمرانی اخیراً افزایش یافته و بعضی از نویسندگان با ارائه آمار به کار رفته در خصوص واژه حکمرانی آن را دارای معانی متفاوت قلمداد و حتی برای گریز از سردرگمی پیشنهاد تعریف بر مبنای دیدگاه خود را متناظر با هدف نویسنده ارائه می نمایند (Dixit, 2009, p.29). تنوع در مفاهیم دولت و حکمرانی در طول دو دهه گذشته نشان دهنده دیدگاه های مختلف مفهومی و ایدئولوژیک در حکمرانی و دولت است. این دیدگاهها می توانند برای مقاصد خاصی به کار گرفته شوند پس آگاهی از اهداف، عملکرد و استفاده مناسب از آن می تواند رهگشا باشد. از سویی دیگر گستره اثرگذاری یافته های دانش اداره بسیار زیاد و حساسیت نظریه پردازی در دانش اداره و حکمرانی بسیار بالاست و به ندرت با حوزه دیگری از دانش قابل مقایسه است. ضمن اینکه موضوعات مورد مطالعه در این حوزه بسیار پیچیده بوده، مستمراً در معرض تحول اند. نکته دیگری که باید هنگام تدوین نظریه حکمرانی مدنظر قرار بگیرد، خاستگاه آن است. نظریه های اداره و حکمرانی باید با هدف حل مسأله یا توسعه دانش صورت بندی شوند، نه با هدف نظریه پردازی برای نظریه پردازی! و در همین امتداد هنگام «نظریه پردازی»، «کار بست نظریه» و «ارزیابی آن»، باید هوشیار بود و تأثیر ویژه آن را در شرایط ویژه محیطی، از حیث زمان و مکان می نظر قرار داد. تغییر از مشخصات تکامل جهان است و ما در عرصه عمومی، که عرصه اقدام جمعی مردم و حکمرانان است، نیازمند یادگیری و انطباق با تغییرات برای افزایش امکان پیشرفت و توسعه، ظرفیت سازی برای مواجهه و پاسخگویی مناسب نسبت به تغییرات با بهره گیری از خلاقیت و نوآوری و ارتباط شایسته با مردم به عنوان سرمایه های حکمرانی هستیم. یک پیشرفت کوچک تبدیل به لنگرگاهی قدرتمند جهت حرکت به جلو و بهبود قابلیت های حکمرانی خواهد بود هر چند که هیچ الگوی واحدی از حکومت ایده آل برای همه زمانها، قابل اجرا برای همه ملت ها و جوامع در سراسر جهان در عصر کنونی معرفی نشده است و داشتن رویکرد کورکورانه به تطبیق مدل های حکمرانی و اداره می تواند به فاجعه منجر شود اما این مفاهیم می توانند فرصتی را به وجود آورند که با یک دید فرازمانی با خلاقیت و نوآوری در مفهوم ارائه شده از حکمرانی، به یک مورد از دانش جدید در کمک به موضوع دست یافت. که این یک گفتمان سالم است که می تواند به راه حل های بهتر برای سیاست های عمومی منجر شده و ایده هایی را برای حل مشکلات سازمانی و تجدید حیات و بهبود سیستم حکمرانی ارائه دهد.

منابع

نهج البلاغه، امیر المؤمنین علی (علیه السلام) ترجمه ی علامه جعفری؛ به اهتمام علی جعفری؛ مشهد مقدس، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ چهارم: ۱۳۸۳

پور عزت، علی‌اصغر (۱۳۹۰)، مبانی مدیریت دولتی، انتشارات سمت. تهران
 پور عزت، علی‌اصغر (۱۳۸۹)، مبانی دانش اداره دولت و حکومت، انتشارات سمت. تهران
 پور عزت، علی‌اصغر (۱۳۸۹)، مدیریت راهبردی عصرمدار؛ رویکردی آینده پژوهانه به منافع عمومی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
 دباغ، سروش، نفری، ندا (۱۳۸۸)، تبیین مفهومی خوبی در حکمرانی خوب، مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۳، ص ص ۱ تا ۱۸
 صانعی، مهدی (۱۳۸۵)، تدبیر، اسفند، شماره ۱۷۸

۱. Farazmand, A., Sound governance in the age of globalization: A conceptual framework. Sound governance. Policy and administrative innovations, ۲۰۰۴: p. ۲۳-۱
۲. Farazmand, A., GOVERNANCE IN THE AGE OF GLOBALIZATION: CHALLENGES AND OPPORTUNITIES FOR SOUTH AND SOUTHEAST ASIA.
۳. Farazmand, A., Sound governance: Policy and administrative innovations. ۲۰۰۴: Greenwood Publishing Group.
۴. Farazmand, A., Sound Governance: Engaging Citizens through Collaborative Organizations. Public Organization Review, ۲۰۱۲. ۱۲ (۳): p. ۲۴۱-۲۲۳
۵. Khan, H.A., Failed States and the Lack of Good Governance: A Causal Explanation, in In Search of Better Governance in South Asia and Beyond. ۲۰۱۳, Springer. p. ۸۷-۷۳
۶. Palmer, R.E., Hermeneutics: Interpretation Theory in Schleiermacher, Dilthey, Heidegger, and Gadamer. ۱۹۶۹: Northwestern Univ Press.
۷. Weinsheimer, J., Philosophical hermeneutics and literary theory. ۱۹۹۱: Yale University Press London.
۸. Leftwich, A., Politics in command: Development studies and the rediscovery of social science. New Political Economy, ۲۰۰۵. ۱۰ (۴): p. ۶۰۷-۵۷۳
۹. Kooiman, J. and S. Jentoft, META-GOVERNANCE: VALUES, NORMS AND PRINCIPLES, AND THE MAKING OF HARD CHOICES. Public Administration, ۲۰۰۹. ۸۷ (۴): p. ۸۳۶-۸۱۸
۱۰. Đurđević-Lukić, S., Bringing the state back: Strong versus weak states. Medjunarodni problemi, ۲۰۰۶. ۵۸ (۲-۱): p. ۶۶-۳۶
۱۱. McCarney, P., M. Halfani, and A. Rodriguez, Towards an understanding of governance. Perspectives on the City, ۱۹۹۵: p. ۱۴۱-۹۴
۱۲. Grindle, M.S., Good enough governance revisited. Development policy review, ۲۰۰۷. ۲۵ (۵): p. ۵۷۴-۵۳۳
۱۳. Hamedinger, A. The changing organization of spatial planning in Vienna: learning lessons from the organisation of planning in the UK in the context of the shift from government to governance? in Paper presented at the EURA/UUA conference 'City Futures. ۲۰۰۴: Citeseer.
۱۴. Herbst, J.I., States and power in Africa: Comparative lessons in authority and control: Princeton Univ Pr. ۲۰۰۰
۱۵. Hydén, G. and K. Mease, Making sense of governance: empirical evidence from sixteen developing countries. ۲۰۰۴: Lynne Rienner Publishers.
۱۶. Batterbury, S.P. and J.L. Fernando, Rescaling governance and the impacts of political and environmental decentralization: an introduction. World Development : ۳۴ (۱۱): p. ۲۰۰۶. ۱۸۶۳-۱۸۵۱
۱۷. Beall, J., Decentralizing government and decentering gender: lessons from local government reform in South Africa. Politics & Society, ۲۰۰۵. ۳۳ (۲): p. ۲۷۶-۲۵۳

- .18 Harriss, J., K. Stokke, and O.T. Tornquist, Politicising democracy: The new local politics of democratisation. ۲۰۰۴: Palgrave Macmillan.
- .19 Streeten, P. Good Governance: History and Development of the concept. in Paper delivered at a symposium [Available online] http://www.novartisfoundation.com/pdf/symposia/rede_streeten۰۶۱۲۲۰۰۲.pdf [Accessed ۳۰May ۲۰۰۷]. .۲۰۰۷
- .۲۰ Grindle, M.S., Good governance: The inflation of an idea. ۲۰۱۰
- .۲۱ Balestri, C., Political Organizations, Interest Groups and Citizens Engagement: An Integrated Model of Democracy. Public Organization Review, ۲۰۱۳: p. .۱۱-۱
- .۲۲ Farazmand, A., The Future of Public Administration Challenges and Opportunities—A Critical Perspective. Administration & Society, ۲۰۱۲. ۴۴(۴): p. .۵۱۷-۴۸۷
- .۲۳ Haque, M., The growing challenges of globalization to self-reliant development in developing nations. PUBLIC ADMINISTRATION AND PUBLIC POLICY-NEW YORK-, ۲۰۰۴. ۱۰۸: p. .۵۵۰-۵۳۵
- .۲۴ KIM, S., Globalization and National Responses: The Case of Korea. International Review of Public Administration, ۲۰۱۱. ۱۶(۲): p. .۱۶۵
- .۲۵ Farazmand, A. and J. Pinkowski, Handbook of globalization, governance, and public administration. ۲۰۰۶: CRC Press.
- .۲۶ Jreisat, J.E., Administration, globalization, and the Arab States. Public Organization Review, ۲۰۰۹. ۹(۱): p. .۵۰-۳۷
- .۲۷ Farazmand, A., Globalization and public administration. Public administration review, ۱۹۹۹: p. .۵۲۲-۵۰۹
- .۲۸ Farazmand, A., Globalization, the State and public administration: a theoretical analysis with policy implications for developmental States. Public Organization Review, ۲۰۰۱. ۱(۴): p. .۴۶۳-۴۳۷
- .۲۹ Farazmand, A., Privatization and globalization: a critical analysis with implications for public management education and training. International Review of Administrative Sciences, ۲۰۰۲. ۶۸(۳): p. .۳۷۱-۳۵۵
- .۳۰ HOFFMANN, S., Chaos and Violence: What Globalization, Failed States, and Terrorism Mean for US Foreign Policy. ۲۰۰۶
- .۳۱ Haque, M.S., Globalization, State Formation, and Reinvention in Public Governance: Exploring the Linkages and Patterns in Southeast Asia. Public Organization Review, ۲۰۱۳: p. .۱۶-۱
- .۳۲ Tillah, M., Globalization, Redemocratization and the Philippine Bureaucracy. ۲۰۰۵, Philippine Institute for Development Studies.
- .۳۳ Mitrović, B., Globalization and the welfare state. Facta universitatis-series :Economics and Organization, ۲۰۰۸. ۵(۳): p. .۱۸۴-۱۷۹
- .۳۴ Farazmand, A., Building Administrative Capacity for the Age of Rapid Globalization: A Modest Prescription for the Twenty-First Century. Public administration review, ۲۰۰۹. ۶۹(۶): p. .۱۰۲۰-۱۰۰۷
- .۳۵ Mintzberg, H., Managing government, governing management. Harvard Business Review, ۱۹۹۶. ۷۴(۳): p. .۷۵-۷۵
- .۳۶ Lane, J.-E., Will public management drive out public administration. Asian Journal of Public Administration, ۱۹۹۴. ۱۶(۲): p. .۱۵۱-۱۳۹
- .۳۷ Heady, F., Public administration, a comparative perspective. ۲۰۰۱: CRC Press.
- .۳۸ Rhodes, R., X/(۱۹۹۶)“The New Governance: Governing without Govern-ment”. Political Studies, XLIV.

- ۳۹ Pourezzat, A. A, Essentials of Public administration, 2011, Samt, Tehran
- ۴۰ Mongkol, K., The critical review of new public management model and its criticisms. Research Journal of Business Management, ۲۰۱۱. ۵(۱): p. ۴۳-۳۵
- ۴۱ Okot-Uma, R.W.O. and C.S. London, Electronic governance: re-inventing good governance. Commonwealth Secretariat, London, ۲۰۰۰. ۵
- Ohno, I. (2011). The Strategic Environment Surrounding the Developing Countries and Japan's Development Cooperation: To Be a Global Civilian Power – In The World and Japan's Foreign Policy in the Future: Prospects in 20 Years. JIIA.
- ۴۲ Kaufmann, D., A. Kraay, and M. Mastruzzi, The worldwide governance indicators project: answering the critics. Vol. ۴۱۴۹. ۲۰۰۷: World Bank-free PDF.
- ۴۳ Roy, K.C. and C.A. Tisdell, Good governance in sustainable development: the impact of institutions. International Journal of Social Economics, ۱۹۹۸. ۲۵(۸/۷/۶): p. ۱۳۲۵-۱۳۱۰
- ۴۴ Rodrik, D., Thinking about governance. World Bank, Governance, Growth, and Development Decision-Making—Reflections by: Douglass North, Daron Acemoglu, Francis Fukuyama, Dani Rodrik. World Bank, Washington, DC, ۲۰۰۸
- ۴۵ Acemoglu, D., Interactions between governance and growth. Governance, growth & development decision-making, ۲۰۰۸: p. ۹-۱
- ۴۶ Hong, H.T.M., Media and civil society in support of good governance and democracy in Vietnam. MEDIA ASIA-SINGAPORE-, ۲۰۰۲. ۲۹(۱): p. ۳۱-۲۴
- ۴۷ Dixit, A., Governance institutions and economic activity. The American Economic Review, ۲۰۰۹. ۹۹(۱): p. ۲۴-۳
- ۴۸ UN'S World Cities Report, 2016.
- ۴۹ Julia Pomares Belén Abdala, Global Governance in 2030, T 20, 2018
- ۵۰ Zürn, M. (2018). Contested global governance. Global Policy, 9(1), 138– 145. <https://doi.org/10.1111/1758-5899.12521>
- ۵۱ Orban, D. (2017). Blockchain technology and decentralized governance. In Global Challenges Quarterly Report: Global Governance in the Age of Disruptive Technology (pp. 59 - 63). Global Challenges Foundation. Retrieved from <https://api.globalchallenges.org/static/files/GlobalChallenges-Quarterly-Risk-Report-November-2017.pdf>
- ۵۲ UN. (2015). World population ageing. World Population Ageing (Vol. United Nat). United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2015). <https://doi.org/ST/ESA/SER.A/390>
- ۵۳ Muggah, R. & Tiberghien, Y. (2018). The future global order will be managed by China and the US - get used to it. World Economic Forum. Retrieved August 1, 2018, from <https://www.weforum.org/agenda/2018/02/the-future-global-order-will-be-managed-by-china-and-the-us-get-used-to-it/>
- 54 Milkoreit, M. (2017). Who cares about global governance? In Global Challenges Quarterly Report: Global Governance for Global Citizens (pp. 67 - 73). Global Challenges Foundation. Retrieved from <https://api.globalchallenges.org/static/files/Global-Challenges-Quarterly-RiskReport-September-2017.pdf>
- 55 Kawaguchi, Y. (2017). International governance: balancing inclusion and efficiency. In Global Challenges Quarterly Report: Global Governance for Global Citizens (pp. 25 - 29). Global Challenges Foundation. Retrieved from:

<https://api.globalchallenges.org/static/files/Global-ChallengesQuarterly-Risk-Report-September-2017.pdf>27.